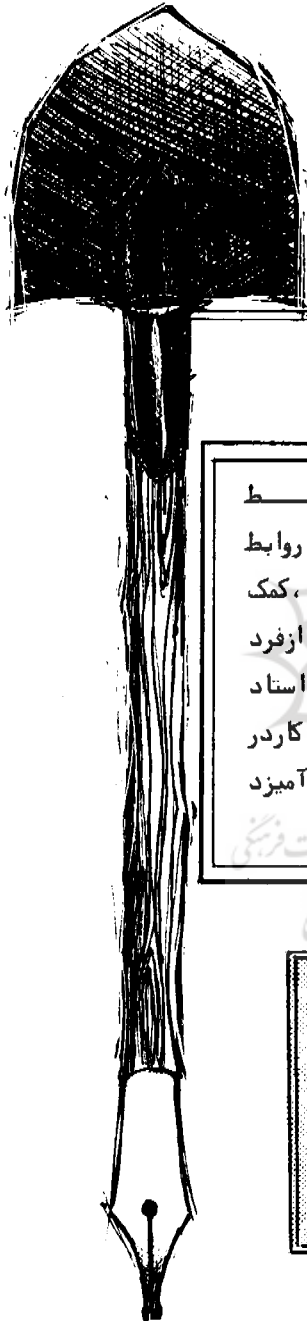


طرح کاد



فرزندانشان را در هفته یکروز به محیط کار ببریم بگذاریم از نزدیک با کار و روابط اجتماعی محیط کار آشنا شود بیاموزد، کمک کند، تولید نماید طرح کاد میخواهد از فرد اولیاء دانش آموزان بعنوان یک استاد در آموزش و پرورش استفاده نماید و کار در اجتماع را و دانش مدرسه‌ای را درهم آمیزد و کاد بیورد.

رساله جامع علوم انسانی

نوشتار زیر: گفتاری است کوتاه دربارهٔ طرح کاد که در مجمع عمومی رابطین انجمن اولیاء و مربیان استان تهران، در روز مبارک بیعت (۶۱/۴/۳۱) توسط برادر سیدعلی اکبر حسینی ایراد شد:

بسم الله الرحمن الرحيم
حضور همه شما عزیزان سلام میگویم
السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته .

طرحی بنام طرح کاد در دست امکان-
سنجی و بررسیهای اجرایی است. کاد
از دو کلمه کار و دانش برگرفته شده است و
کلمه کاد (البته با تشدید) بمعنای فرد
تلاشمند و کوششگراست .

با امید آن که این طرح پاسخی باشد به
روحیه تلاشمند و فعال نوجوانان و جوانان
کلیات این طرح برای اجراء توسط مقامات
مسئول به تصویب رسیده است . مجریان
اصلی این طرح اولیاء دانش آموزان و دانش
آموزان هستند ، اولیاء دانش آموزان با
شکل سازمان یافته در انجمن اولیاء و مربیان
هر مدرسه - به یاری پروردگار متعال نقش
بسیار مؤثری در اجرای این طرح خواهند
داشت . شما گرامیان مهمترین وظیفه
اجرائی را بر عهده دارید . به همین جهت
صلاح دانستند اجمالی از طرح کاد در این
جلسه گرامی با اطلاع شما برادران و خواهران
اولیاء دانش آموزان برسد تا شما عزیزان
نظرات تکمیلی خود را در اختیار مسئولین
این جلسه بگذارید و هم این طرح را در
انجمنهای مدارس مطرح بفرمایید تا دیگر
اولیاء دانش آموزان هم از طرح مطلع شوند
و نظرات خود را به منطقه بفرستند که در
اختیار انجمن مرکزی اولیاء و مربیان قرار

گیرد و مورد استفاده شود . باز میگویم
هدف بیان طرح کاد در این جلسه اینست که
شما نظرات تکمیلی خود را بگویید تا با
جمع آوری نظرات تکمیلی در سطح کشور
وزارت آموزش و پرورش بتواند به یاری خدا
و با کمک امت مسلمان به ویژه اولیاء دانش-
آموزان این طرح را هر چه بهتر پیاده کند .
آغاز جدایی :

در نظام طاغوتی مدرسه ها وقتی فرزند
شما را در خود می پذیرفت ، فرزند بسیار
خانواده جدا میشد فرزند پشت به پدر و
مادر میکرد و پدر و مادر ناچار از او جدا
می شدند ، او به کلاس می رفت و پدر به
سوی اجتماع و این جدایی آغاز جداییهای
آینده بود .

فرزند در مدرسه چیزهایی را می آموخت که
پدر و خانواده از آنها بیگانه بودند -
مادر از آنها بیگانه بود .

- مثلاً در کلاس سوم ابتدایی کار برد
اطوی برقی را می خواند ، که گویا هنوز هم
می خواند ، چه مقدار این خواندن به درد
او می خورد؟ چند درصد از مردم مالپاس اطو
زده می پوشند که لازمست کودکان آنها
در دوره ابتدایی درباره اطو اطلاعاتی
داشته باشند؟ چیزی ضروری تر نیست؟
اینگونه برنامه ریزی بقصد تعلیم انجام

گونه‌تنظیم میشد. فرزندان شما راه راهی می برد که بعد از مدتی تلاش و اشتیاق با منعی روبرو میکرد و میگفت شما لایق ادامه تحصیل نیستید، کار هم کسه نیاموخته‌اید، پس بیکار و مایوس و ناامید سر به دیوار بکوبید. عملاً "به آنها می گفت بی جهت از این راه آمده‌اید این راه بن بست است، چه کنند؟ دوازده سال از محیط جدا بوده‌اند به این زودی و باین سادگی

میشد یا بقصد تحقیر؟ یا بقصد ایجاد مصرف، ایجاد بازار و تحمیل مصرف؟
 پدر و مادر هم در اجتماع و خانواده دست اندرکار کار و تجربیاتی بودند که فرزند از آنها بیگانه بود. برنامه ریزی آموزشی - درنظام طاغوتی - با استفاده از نظرسور مشورت اولیاء دانش‌آوز نبود منطبق با نیاز دانش‌آموز، منطبق با نیاز خانواده و محیط او نبود، بیشتر چیزهایی را می‌آموخت که کمتر به دردش می خورد او را برای هدفی می - پروراندند و از دامن پرمهر خانواده و محیط زندگی جدا می کردند، کتابها و برنامه‌های درسی و آموزشی را کارشناسهای آمریکایی القاء می کردند و ناچار سم‌خیانت و استعمار و ستم خود را در لابلای کتابها و برنامه‌ها پنهان می نمودند، آن درسها و درسهایی نبود که به فرزندان ما بیشتر زندگی بخشد بلکه درسهایی بود که بیشتر



فرزندان ما را به اسارت فکری درمی‌آورد کتاب به دستشان می داد و باین کتاب زنجیر اسارت و ذلت در فکر و دستشان می نهاد و هر چه بیشتر درسیستم مدرسهای درس میخواند، این اسارت قوی تر می شد.

چیزهایی می خواند که کمتر به سودش بود به راهی می رفت که پایان این راه یابه اسارت مطلق درآمدن بود و یاسرگردانی و بیکاری و یاس و ناامیدی. برنامه‌ها بدین

نمی‌توانند جذب محیط پر تلاش اجتماع شوند، کسی رانمی‌شناسندکاری نمی‌دانند ارتباطی ندارند، دوازده سال بردستش زنجیر استعمار بوده واورازکار وتلاش باز داشته‌است، برنامه‌های استعماری درسی نگذاشته نوجوان ماشوروشوق وابتکارخود رادرمیدان کار به نمایش بگذارد ولذت کار و ابتکار رادریابد اورابه بهانه‌درس از محیط پرشور وشوق کاروآفرینش جداکرده‌است، ای کاش معلوماتی که اندوخته‌کاربردی، اثری داشته‌باشد، جزخستگی ذهن ولدزدگی آیا اثر دیگری دارد؟ ببینیدخودشما- اولیاء عزیز دانش‌آموزان محرفضا اگرچندماهی از محیط کارتان دورباشید بهنگام بازگشت آیا همان روزهای اول برکارسوارهستید؟ یااینکهچند روزی طول می‌کشندادوباره راه وچاه‌کاررا بیابید؟.

حالابیند ییشید که اینگونه برنامه برای فرزندان ماچه ضایعه‌ای می‌آفریند، آنها را دوازده سال ازطبیعی ترین و پرتحرکترین محیط آموزشی - یعنی اجتماع جدا میکند آنگاه آنها را یکسره به امواج می‌سپرد، نه کاری و نه هنری به آنان آموخته و نه معلومات مفیدی شمامم الان کتابهای باز مانده از نظام آموزش وپرورش طاغوت رابنگرید، ببینید چند درصد محتوایش به درد فرزند شما میخورد؟ به درد اکتونش یا آینده‌اش؟ ببینید باچه مسائلی فکرو ذهن فرزند شما را انباشته میکند؟ مگر نه

اینستکه علم بایدگره‌گشای کار و زندگی ما باشد؟ علمی که به سود زندگی دنیا و یا آخرت مانباشد جهل‌است. چه فرقی با جهل دارد؟

و متصبر ما میفرمایند:

العلم مقرون بالعمل فان اجابته
والادب عمل

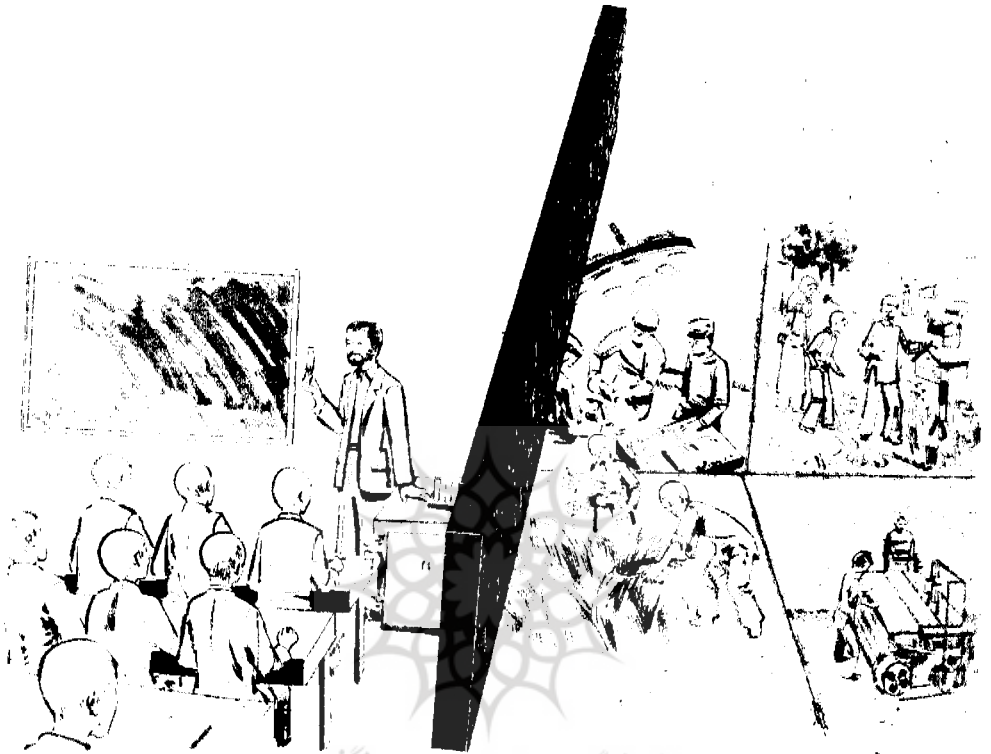
علم همیشه فرین باعمل است اگر
علم دور بیوند داشتند و یکی درسی دیگری
آمد که خوب وگرنه علم هم میرود و
البته این درباره علم مفیدی است که اگر
مقرون به عمل نباشد کوچ میکند و هدر
میرود وگرنه علم غیر مفید علم نیست
جهل است.

یک راه حل ساده

طرح کاد یک طرح ساده و ضربتی است
برای حل گوشه‌ای از این مشکل. چگونه؟ به
این ترتیب که بجای این که فرزندان را
یکباره از محیط جدا کنیم و بین آنها و محیط
کار و شغل خودمان یاد دیگر افراد مورد
اعتمادمان - به شیوه نظام آموزش و پرورش
طاغوت - جدایی بیفکنیم، این جدایی راه
بیوند تبدیل کنیم. در مدرسه درس بخواند
با اجتماع و محیط کار و تلاش و ابتکار هم
ارتباط داشته‌باشد، یکسره بیگانه از محیط
نباشد.

هم‌اینک مدارس ما - در غالب موارد -
دیواربلندی از اجتماع و محیط - تلاش و

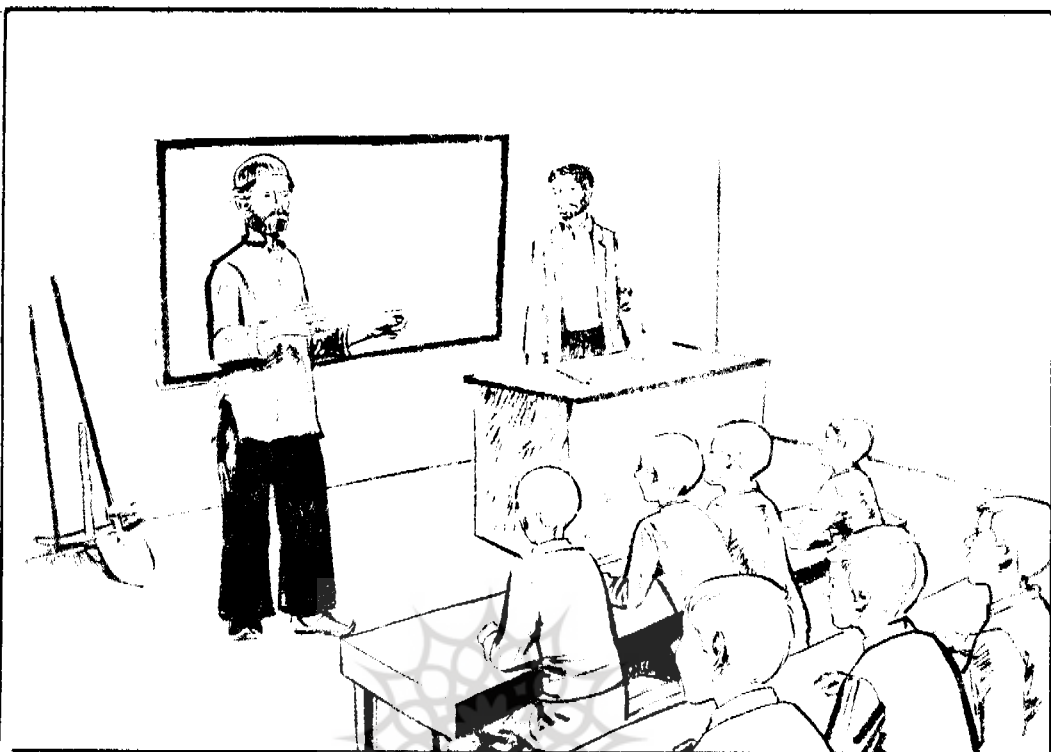
کند، تولید نماید طرح کاد می‌خواهد از فرد
فرد اولیاء دانش آموزان بعنوان یک‌استاد



در آموزش و پرورش استفاده نماید و کاربرد
اجتماع را و دانش مدرسه‌ای را در هم آمیزد
و کاد بپرورد .

- یعنی فرد پرتلاش و کوشش - طرح کاد
می‌خواهد زنجیر اسارت در علم بی عمل
را از دست و پای نوجوانان پرتلاش و پرشور
و شوق باز کند و آنان را در هفته فعلاً "یکروز
به میدان کار و تلاش و ابتکار فراخواند .
طرح کاد به هر فرد آشنا و دانایی -
مخصوصاً "اولیاء" دانش آموزان می‌گوید :

تولید جدا شده است . مدرسه واقعا "از
وسائل آموزشی تهی است جز در موارد نادر
حد اکثر یک معلم بتواند بایک لوله آزمایش
یکلاس بیاید و یک ماده شیمیائی را از دوره
بچه‌ها نشان دهد، چیزی نمی‌فهمند . اما
خانه و محل کار اغلب ما میتواند محیط
خوبی برای آموزش کار و زندگی بسازد .
فرزند دانا را در هفته یکروز به محیط
کار ببریم بگذاریم از نزدیک با کار و روابط
اجتماعی محیط کار آشنا شود بیاموزد ، کمک



استاد به او نمره بده و این نمره را به مدرسه بفرست تا در کارنامه او وارد شود. بگو که چه چیزهایی یاد گرفته و چگونه یاد گرفته است.

البته طرح کاد مفصل است مدرسه هم بکار دانش آموز نظارت میکند کارش راهدایت می کند مطالب علمی متناسب با کاری که برگزیده در اختیارش می نهد. این طرح از طریق ستاد اجرایی طرح کاد به مدارس که میباید آنرا اجراء نمایند ابلاغ شده و یا خواهد شد.

خلاصه طرح کاد اینست که ای مادر و ای پدر و ای مادران و ای پدران آنچه

ای پدرا ای مادرا تو مسئولی و باید آنچه می دانی و می توانی به فرزند خویش و دوستان فرزند خویش بیاموزی، هر هنری و هر حرفه ای که بلدی باید بیاموزی باید یاد بدهی تا دین خود را ادا کرده باشی و زکات دانایی و توانایی خود را پرداخته باشی.

در میدان عمل از این نوجوان بپرتلاش باری بگیر و یاری بده، دست او را با کار و ذهن او را با اسرار کار آشنا کن، کار و پیشرفت و حسن رفتارش ببین و بعنوان

میدانید تا حدود امکان به فرزند و دیگر فرزندان خود بیاموزید و آنان را با خود به میدان عمل و تلاش فراخوانید و از نیروی فراوان فکر و جسم آنها در جهت رشد شخصیتشان و در جهت تولید و خودکفائی کشور و کمک به مناطق محروم بهره‌مند شوید. برای فرزندان خویش ارزش قائل باشید و قدر نیروی ابتکار آنان را بدانید و ارج نهید، مگر نمی بینید این نوجوانان چگونه درجه‌ها دقیقترین ابتکارها را ارائه میدهند؟

طرح کاد پیشنهاد میکند متناسب سن و قدرت بدنی و ذهنی دانش‌آموزان راهی از مدرسه بسوی اجتماع و کار و تولید بگشاییم و دیوار بلندی را که نظام آموزش و پرورش تحمیل شده از غرب بین مدرسه و اجتماع افراشته بود از بن برکنیم و از نیروی فراوان دانش‌آموزان در جهت تولید و از امکانات فراوان اجتماع جهت آموزش بهره‌مند شویم.

بنده این طرح را در یک دانشسرا که اغلب دانشجویانش از مناطق روستایی یا شهرهایی پرتلاش هستند مطرح کردم - منظور این بود که این برادران بروند و امکانات اجرایی طرح کاد را بسنجند - آنها به من گفتند که ما طرح کاد را خودمان در دوره تحصیل قبلاً پیاده کرده‌ایم دلیلش هم دستهای پینه بسته ماست. منتها مدرسه به کار ما ارج نمی‌نهد، ما که کار می‌کردیم در درس تجدید می‌شدیم و آن که کار نمی‌کرد و فقط درس می‌خواند قبول می‌شد.

حالا این طرح می‌خواهد، به کار ارزش نهاده و نمزه قبولی را به دستهای پینه بسته بدهد.

ما هم بیاییم به کار ارزش بدهیم. مادر مکتبی پرورش یافته‌ایم که می‌گوید کودکان از همان آغاز باید در کار شرکت کنند. البته متناسب با توانایی جسمی



و فکری خود . مثلا "میگوید برای تدارک سفره کودکان را هم شریک کنید . ازکی؟ از همان وقتی که برخی اشیاء را میشناسد ولی توان گفتن نام آنها را ندارد . نمکدان را می شناسد ولی نامش را نمی تواند بگوید نمکدان را در دسترس او بگذارید و بگویید آن را سرسفره بیاورد . نگذارید بی تلاش بر سر سفره بنشیند . از همان آغاز او را به تلاش و کوشش عادت دهید . که به سخن پیامبران ، ملعون ملعون من القی کله علی الناس .

مورد لعنت خداست ، مورد لعنت خداست هر که بار خود را بردوش دیگران افکند ما هم بکوشیم فرزندانمان را از همان آغاز برای تلاش و استقلال تربیت کنیم و برای این هدف دستشان را با کار و عمل آشنا سازیم .

وقتی این شیوه بهره مندی از نیروی اولیاء مطرح میشد ، یک فرد نجف آبادی ، در جریان قرار گرفت او گفت : شغل من زنبورداری است ، در این کار کاملا "متخصص هستم هیچ مدرکی ندارم بهترین مدرک تخصصی من عسل های شیرینی است که تولید می کنم ، امسال یک تن عسل به جبهه هدیه کردم . محل کارم دامن صحرا و کوهستان است ، حاضرم در اجرای این طرح کمک بکنم ، یکصد نفر دانش آموز به من بسپارید آنها بمن کمک کنند منم به آنها رموز کار را یاد می دهم بعد از گذشت یکی دو

سال خودشان میتوانند هر چهار پنج نفر چند تا کندو داشته باشند و عسل تولید کنند و به جبهه بفرستند ولی انشاء الله تا آن موقع جنگ تمام شده باشد و عسلها را به خانه و مدرسه ببرند و با طرح گاد همه را شیرین کام نمایند و بقیه را بفروشند و کام مردم را هم شیرین کنند

در این طرح همه باید مثل این برادر نجف آبادی کمک کنند و زکات علم خودشان را به فرزندان عزیزشان بپردازند . بیاری خدا وقتی همه برادران و خواهران مثل این برادر نجف آبادی اعلام آمادگی نمایند ، در آموزش فنی و حرفه ای جهش عظیمی ایجاد میشود .

آخرین نکته ای که باید از طرح گاد بگویم این که بر اساس این طرح اولیاء دانش آموزان مرتبا " بمدرسه دعوت میشوند تا اطلاعات شفلی خود را در کلاس درس با حضور معلم در اختیار دانش آموزان گذارند و این ارتباط مرتبا " از سوی مدرسه به اجتماع و از سوی اجتماع بمدرسه برقرار است به امید یاری پروردگار و کمکهای خالصانه شما امت حزب الله .

از اولیاء و مربیان محترم تمنا دارم ، نظرات اصلاحی و پیشنهادی و انتقادی خود در مورد طرح گاد به دفتر انجمن مرکزی اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران ارسال دارند .